دریچه

وقوع یک قتل ناموسی دیگر در گیلان

● **شرق:** دو روز گذشته جامعه ایرانی در شوک قتل فجیع «رومینا اشرفی» به سر می‌برد که خبر رسید زنی دیگر در گیلان قربانی نزاعی ناموسی شد. خبرگزاری ایلنا روز گذشته خبر داد که هفته گذشته در محله سلیمانداراب رشت مردی خانه و خواهرش را در نزاعی ناموسی به آتش کشید که نهایتا زن آسیب‌دیده روز گذشته بر اثر شدت جراحات درگذشت. این دومین قتل ناموسی در استان گیلان در یک هفته گذشته است. قتل‌هایی که فاجعه‌باربودنشان موجب شده تا مسئولان بار دیگر به تکاپو بیفتند و بخواهند قوانین بازدارنده‌ای در این زمینه تدوین کنند. روز چهارشنبه رئیس‌جمهور روحانی در جلسه هیئت دولت به ماجرای قتل فجیع رومینا اشرفی در تالش اشاره کرد و با ابراز تأسف از خشونت خانگی در تالش، دستور تسریع در رسیدگی به لوایح منع خشونت را صادر کرد. همچنین دو معاون رئیس‌جمهور هم دیروز از تلاش‌هایی برای بررسی خارج از نوبت لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت خبر دادند. معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانواده دراین‌باره در صفحه توییتری خود نوشت: امروز در هیئت دولت درباره جنایت رومینا صحبت و درخواست کردم تسریع و اولویت برای نوبت لایحه تأمین امنیت زنان انجام شود. وی افزود: در پاسخ به درخواست لعیا جنیدی- معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری نیز اسحاق جهانگیری- معاون اول رئیس‌جمهور، دستور بررسی خارج از نوبت لایحه در کمیسیون را صادر کردند. وی در ادامه نوشته است: آماده‌ایم تا این لایحه در هفته آینده در کمیسیون لوایح مطرح شود. همچنین لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری از هیئت دولت درخواست کرد «لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» خارج از نوبت بررسی شود.

۵۶ نفر دیگر از مبتلایان به کرونا در ایران جان باختند

● **ایرنا:** رئیس مرکز اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: تا روز چهارشنبه ۱۴۱هزارو ۵۹۱ نفر به طور قطعی به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و با فوت ۵۶ نفر در ۲۴ ساعت گذشته، تعداد جان‌باختگان کرونا در کشور به هفت‌هزارو ۵۶۴ نفر رسید. کیانوش جهانپور درباره آخرین آمار ابتلای قطعی به ویروس کرونا و موارد فوت ناشی از آن در کشور افزود: در ۲۴ ساعت گذشته تا ظهر روز گذشته (هفتم خرداد) بر اساس گزارش آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی دوهزارو ۸۰ بیمار جدید مبتلا به کووید-۱۹ در کشور شناسایی شد. از بین مبتلایان جدید، ۴۱۲ مورد بستری و هزارو ۶۶۸ (۸۰ درصد) نفر از موارد سرپایی و افراد در تماس با مبتلایان بودند که شناسایی شدند. با درنظرگرفتن موارد جدید، مجموع بیماران مبتلا به کووید- ۱۹ در کشور به ۱۴۱هزارو ۵۹۱ نفر رسید. رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ادامه داد: در ۲۴ ساعت گذشته ۵۶ بیمار دیگر مبتلا به کووید-۱۹ در کشور جان خود را از دست دادند و از زمان شیوع این بیماری در کشور تاکنون هفت‌هزارو ۵۶۴ نفر جان خود را از دست داده‌اند. جهانپور بیان کرد: بر اساس این گزارش‌ها تاکنون ۱۱۱هزارو ۱۷۶ نفر از بیماران مبتلا به کووید-۱۹ در کشور بهبود یافته و از بیمارستان ترخیص شده‌اند. دوهزارو ۵۵۱ نفر از این بیماران نیز در وضعیت شدید این بیماری و به نوعی بحرانی تحت مراقبت در بخش‌های آی‌سی‌یو قرار دارند که امیدواریم شفا پیدا کنند.

۸۰ درصد تالاب میقان اراک آبگیری شد

● **ایرنا:** مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مرکزی گفت: ۸۰ درصد از سطح منبع آبی‌فصلی تالاب کویری میقان اراک در بهار امسال با حجم بارندگی مناسب آبگیری شده است که این مهم در مهار ریزگردهای محلی و اکوسیستم تالاب نقش کلیدی دارد. «رضا میرزایی» افزود: سطح آبگیری‌شده شامل پهنه آبی ۱۲هزارهکتاری در تالاب میقان اراک است که دریاچه با سه جزیره در وسط، قسمت کویری و دشت‌های اطراف را شامل می‌شود. وی بیان کرد: با توجه به بارش مطلوب بهاره و و شرایط مناسب زیستی در تالاب میقان، تخم‌گذاری و زادآوری برخی از پرندگان مهاجر تابستان‌گذران در این زیستگاه طبیعی آغاز شده است. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مرکزی ادامه داد: پرستوی دریایی، کاکایی ارمنی، کاکایی صورتی، چوب‌پا، آووست و خروس کولی از جمله پرندگانی هستند که در این جزایر و حاشیه تالاب میقان اراک تخم‌گذاری و جوجه‌آوری می‌کنند. میرزایی اظهار کرد: مهاجرت بهاره پرندگان آبزی و کنارآبزی از فروردین امسال به استان آغاز شده و برخی از گونه‌های این پرندگان نیز در جزایر تالاب تخم‌گذاری کرده‌اند. وی عنوان کرد: تالاب میقان اراک دارای ویژگی‌های بوم‌شناسی خاصی است و سالانه بیش از ۱۰۰ هزار قطعه پرنده آبزی و کنارآبزی را در فصل کوچ پذیراست که حدود پنج هزار قطعه از این پرنده‌ها با توجه به شرایط مناسب موجود زادآوری می‌کنند و این مهم موجب ایجاد تنوع زیستی و ایجاد چشم‌اندازی متفاوت در این پهنه اکولوژی شده است.

تهران دوباره لرزید

ماجرای جابه‌جایی گسل مشا چقدر جدی است

شرق: روز گذشته تهران و دماوند دوباره لرزیدند. زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۴ ریشتر در عمق ۱۲ کیلومتری از سطح زمین در مرز استان‌های تهران و مازندران در ساعت ۱۳:۴۱ روز گذشته اتفاق افتاد. رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران تهران گفت منشأ زلزله امروز در دماوند، گسل مشا بوده است که فعالیت آن حدود سه هفته پیش نیز باعث زلزله‌ای به بزرگی ۵.۲ در تهران شد. به گفته رضا کرمی‌محمدی، زلزله خساراتی به بار نیاورده است، اما گسل مشا فعال شده و در حال حرکت است.

عده‌ای می‌گویند دیر و زود دارد و سوخت‌وسوز ندارد، اما بالاخره اتفاق می‌افتد؛ همان زلزله بزرگی که به‌خاطرش بارها کارشناسان هشدار داده‌اند استان تهران را تهدید می‌کند. مهدی زارع، کارشناس زلزله، در گفت‌وگو با «شرق» توضیحاتی را درباره زلزله‌های سه هفته اخیر ارائه کرد. از زارع پرسیدیم که آیا باید نگران این زلزله‌ها و پس‌لرزه‌هایش باشیم. زارع در پاسخ به خبرنگار «شرق» گفت: «این تکه گسل مشا که در سه هفته گذشته فعال شده، پیش‌تر هم فعالیت داشته. این تکه، هم در سال ۱۶۶۵ میلادی جابه‌جا شده و هم در زلزله ۱۸۳۰ میلادی. در سال ۱۶۶۵ یک زلزله به بزرگای ۶ تا ۷ ریشتر اتفاق افتاد و در سال ۱۸۳۰ بزرگایش هفت بود. یک زلزله هم در سال ۱۹۳۰ اتفاق افتاده که باز هم روی همین قطعه گسل مشا بود. سال ۱۹۳۰ اما بزرگایش ۵ بود و شبیه همان زلزله سه هفته پیش بود».

وی افزود: «پس این گسل پیش‌تر تکان داشته. ضمنا مطالعاتی که انجام شده نشان می‌دهد که گسل مشا حرکت‌هایی در ۱۰ هزارهزار سال گذشته داشته است. مطالعاتی که دکتر شهریار سلیمانی در تز دکترای خود انجام داده روی همین قطعه گسل مشا مشخص کرد که در ۱۰ هزار سال گذشته این قطعه حدود ۹ مرتبه جابه‌جا شده است و این ۹ بار جابه‌جایی معنایش این است که درواقع ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که این گسل هر هزاروصدسال یک‌بار یک زلزله مهم دارد».

زارع با اشاره به موقعیت مهم تهران گفت: «اگر مسئله ما شهر تهران باشد، برمی‌گردد به قطعه مجاور این قطعه، (البته اگر این قطعه هم زلزله‌ای به بزرگای ۷ داشته باشد، باز هم احتمال خرابی در تهران داریم)، اما قطعه مسئله‌ساز تهران، قطعه مرکزی گسل مشاست؛ یعنی قطعه معروفی که از روستای کلان و روستای لواسان بزرگ شروع می‌شود و به سمت شمال فشم و میگون می‌رسد و عبور می‌کند. این قطعه از نزدیکی شمال تهران؛ یعنی ۱۵ کیلومتری مناطق شمالی تهران عبور کرده و همان قطعه‌ای است که درباره‌اش سؤال زیادی داریم، چراکه اکثر جاهایی که این قطعه از آن عبور می‌کند، از مناطق مرتفعی است که تا به حال زلزله بزرگی نداشته یا مطالعه کافی رویش انجام نشده. فقط برخی از محققان معتقد هستند زلزله سال ۹۵۸ ری طالقان مربوط به این گسل است. درواقع اگر این‌طور باشد، این گسل نزدیک به هزاروصد سال است که هیچ تکانی نخورده».

وی تصریح کرد: «احتمالا این قطعه مرکزی یک قفل‌شدگی دارد و هیچ خبری از آن نیست و این بی‌خبری بیشتر جای نگرانی دارد تا خوشحالی، چون اگر هیچ خبری نباشد و تشخیص بدهیم که فعال هم نیست، خب نگرانی ندارد، اما وقتی که شواهد فعالیت دارد و آثار زلزله ندارد و مدت طولانی سکوت کرده، می‌شود نگران گسیختگی آن بود. حالا تمام این زلزله‌های سه هفته گذشته در مجاورت این قطعه خاموش گسل مشا رخ داده‌اند؛ یعنی قطعه شرقی و قطعه مرکزی همچنان ساکت است و این همان نکته‌ای است که من رویش تأکید کردم که بالاخره دولت باید مسئولیت این موضوع پایه و بنیادی را قبول کند. تعیین این مسائل و تشخیص آن که چه اتفاقی در حال وقوع است، چیزی نیست که بشود با اسپانسر یا حامی مالی یا برون‌سپاری به بخش خصوصی انجام داد. یک کار کاملا بنیادی و از جنس تحقیقات پایه است و دولت‌ها باید هزینه‌اش را پرداخت کنند».زارع در پایان خاطرنشان کرد: «بنابراین آنچه به‌عنوان ریسک زلزله و اثر این لرزه‌خیزی بر شرق تهران مدنظر است، این است که دوروبر قطعه شرقی و مرکزی گسل مشا، در فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتر حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت زندگی می‌کنند. توجه کنید که در کل پهنه کانونی زلزله بم حدود صد هزار نفر زندگی می‌کردند و ما با یک زلزله ۶/۵ ریشتری در سال ۱۳۸۲ یک‌سوم این جمعیت را از دست دادیم. حالا اگر این فاصله گسل مرکزی و مشا را روی فاصله ۱۵ تا ۲۰ کیلومتری محاسبه کنیم، آن‌وقت روی جمعیت قابل‌ملاحظه‌ای؛ یعنی حدود هفت میلیون نفر جمعیت تأثیر دارد و اگر این باند را باز بزرگ‌تر ببینیم و فاصله حدود ۴۰ کیلومتری را در نظر بگیریم، کل جمعیت مردم استان‌های تهران و البرز را که حدود ۱۷/۵ میلیون نفر هستند درگیر می‌کند؛ از نظر ریسک و اثری که این گسل‌ها روی اجتماع دارند، بسیار خطرناک است و بیشترین توجه را باید به آن داشته باشیم، چراکه یک‌پنجم جمعیت ایران در خطر هستند. خود این زلزله‌های سه هفته گذشته به طور طبیعی و خودکار نکته و اتفاق خاصی ندارند، اما چون نزدیک یک پهنه جمعیتی قابل‌ملاحظه هستند، برای ما مسئله‌سازند».

نکته

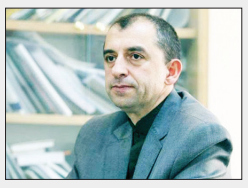

مطالعاتی که انجام شده نشان می‌دهد گسل مشا حرکت‌هایی در طی ۱۰ هزارهزار سال گذشته داشته. مشخص شده که این قطعه حدود ۹ مرتبه جابه‌جا شده است

تهران در آماده‌باش

همچنین رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران گفت که منشأ زلزله ۴ ریشتری دیروز در دماوند گسل مشا بوده است. رضا کرمی‌محمدی، گفت: زلزله ۴ ریشتری که روز گذشته در دماوند رخ داد، تهران را هم تحت‌تأثیر خود قرار داده و طبق گزارش‌های ما در نقاط مختلفی از تهران احساس شده است، اما شدت آن و همچنین عمق آن که در فاصله ۱۲ کیلومتری از سطح زمین بوده، طوری نیست که منجر به نگرانی جدی شود، البته باید همواره در برابر زلزله آماده بود. وی منشأ این زلزله را گسل مشا؛ یعنی منشأ همان زلزله ۵.۲ ریشتری اعلام کرد و گفت: پس از زلزله ۵.۲ ریشتری، چندین لرزه دیگر نیز در محدوده همین گسل مشا رخ داده بود و این لرزه هم در ادامه همان است. این نشان می‌دهد که گسل مشا در حال حرکت است، اما شدت این لرزه طوری نبوده که بخواهیم تمامی دستگاه‌ها را به صورت ویژه به آماده‌باش دربیاوریم. کرمی‌محمدی درباره خسارات زلزله نیز گفت: این لرزه در تهران خسارتی نداشته و ما گزارشی در این خصوص دریافت نکرده‌ایم، چراکه اساسا لرزه ۴ ریشتری چندان قدرت تخریب و خرابی هم ندارد.

سرپرست فرمانداری شهرستان دماوند در پی وقوع زلزله ۴ ریشتری در دماوند و گسل مشا از شهروندان دماوندی خواست احتیاط کنند و در فضای باز باشند. مهدی حیدری، با تأکید بر اینکه مشخص نیست زلزله ۴ ریشتری دیروز پس‌لرزه بوده یا پیش‌لرزه، از همه شهروندان شهرستان دماوند خواست تا احتیاط کنند و در چندساعت آینده در فضای باز باشند. وی افزود: بار دیگر شاهد لرزه در گسل مشا بودیم. بر همین اساس تمامی دستگاه‌های امدادی و خدماتی در سطح شهرستان دماوند در آماده‌باش کامل قرار گرفته‌اند و شهروندان باید آرامش خود را حفظ کنند و موارد ایمنی و احتیاطی را در هنگام وقوع زلزله در دستور کار خود قرار دهند.

خبر

افزایش دما تا پایان هفته ادامه دارد

● **مهر:** افزایش دمای هوا که از روز سه‌شنبه در کشور ملموس بوده است، در اکثر نقاط کشور تا پایان روز جمعه ادامه خواهد یافت. این افزایش دما به طور میانگین سه تا شش درجه برآورد شده است. بنا بر آخرین هشدارهای سازمان هواشناسی کشور با رشد ابرهای همرفتی به‌ویژه در ساعات بعدازظهر و اوایل شب و ناپایداری جو در استان‌های زنجان، شمال همدان، جنوب مرکزی، ارتفاعات در استان‌های البرز، غرب مازندران و غرب اصفهان شاهد رگبار باران گاهی توأم با رعدوبرق و وزش باد شدید موقت خواهیم بود. این شرایط در روز پنجشنبه در شمال استان آذربایجان شرقی و زنجان ادامه می‌یابد و احتمال آب‌گرفتگی معابر عمومی و برخورد صاعقه و رخداد تگرگ را افزایش می‌دهد. سازمان هواشناسی همچنین وزش باد شدید، ایجاد گردوخاک به همراه کاهش دید و کیفیت هوا در استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان به‌ویژه منطقه زابل، سمنان، شرق کرمان و شرق هرمزگان تا پایان روز جمعه را پیش‌بینی کرده است.

آتش مراتع گچساران بعد از اطفا دوباره احیا شد

● **ایلنا:** فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور گفت: تمام نیروها تلاش می‌کنند که آتش تا چند ساعت آتی اطفا شود. سرهنگ «علی عباس‌نژاد» فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در ارتباط با آتش‌سوزی مراتع گچساران در استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: آتش‌سوزی روز گذشته اطفا شده بود که متأسفانه این آتش دوباره احیا شد. در حال حاضر تمامی تیم همراه سرهنگ داور، فرمانده محلی در حال اطفای آتش در محل حادثه هستند. وی افزود: البته این نکته مهم است که آتش‌سوزی مربوط به جنگل‌های گچساران (چنانکه گفته شده بود) نیست. در این آتش‌سوزی تنها مراتع مورد هجوم شعله هستند که نسبت به جنگل‌ها امکان احیای سریع‌تری دارند. البته سوختن مراتع هم نگرانی ما محسوب می‌شود. هم‌اکنون تمام نیروها تلاش می‌کنند تا آتش در چند ساعت آتی اطفا شود.

بازنمایی قتل‌های ناموسی در ایران

مصطفی آبروشن

از عوارض دوران گذار از سنت به مدرنیته، به‌هم‌ریختگی بسیاری از سنن اجتماعی در عمق محتوایی آن است که امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در جوامعی که نگاه به زن فقط از جنبه زنانگی توجیه می‌شود و ارزش‌های فردی و اخلاقی او نادیده انگاشته می‌شود طبیعی است که قضاوت‌های انگ‌زننده اجتماعی مجازات مرگ را برای زنان و دختران در پی خواهد داشت. در این‌گونه اجتماعات، وفاداری به سنت اهمیتی فراتر از شأن و منزلت انسانی می‌یابد. پدیده «قتل‌های ناموسی» که ریشه در سنت‌های اجتماعی دارد، یکی از مظاهر نگاه‌های جنسیت‌زده است که با توجیه اهمیت هنجارهای پذیرفته‌شده یا حفظ همبستگی اجتماعی صورت می‌گیرد. مدرنیته در جامعه ایران به شکل ناهمگون، شتاب‌زده و بدون بسترسازی لازم صورت پذیرفته که این اختلاف فاز در دریافت الگوهای توسعه به پولاریزه‌شدن جامعه منجر شده است؛ به‌عبارتی رویکرد سنتی خواهان حفظ ارزش‌های قومی و در قطبی دیگر، اعضای جدید جامعه هستند که خواهان آزادی از قیدوبند جامعه پدرسالار و سنتی‌اند که این گسست شدید فرهنگی اگر با فقدان بستر گفت‌وگو که وحدت‌بخش کنش‌های گفتمانی است در هم آمیزد، نوعی تقابل خشونت‌آمیز را شاهد خواهیم بود. آنچه در دوران گذار در حال رخ‌دادن است این واقعیت است که اقتدار پدرسالارانه در موضعی منفعلانه، محاط بر عقلانیت مدرنیته قرار گرفته، به‌طوری‌که روابط اجتماعی شهروندان به نفع الگوهای مدرنیته استحاله شده است. با وجود اینکه ساختار خانواده پدرسالار طی روند مدرنیته تضعیف شده و قدرت مردانه در مورد همسر با حقوق اجتماعی تقریبا برابر و درخصوص فرزندان، به جنبه مشورتی و تربیتی تقلیل داده شده است، ولی باورهای پدرسالارانه و اقتدارگرا در برخی از شهرها، ساختار نوین را نادیده گرفته و مانند گذشته نظمی دستوری را در استمرار روند سنتی بر خانواده تحمیل می‌کند، بنابراین اگر زن و دختری که متعلق به طبقه سنتی است، خارج از هنجارهای پدرسالارانه رفتار کند یا بخواهد متناسب با حقوق اجتماعی نوین که جامعه به او اعطا کرده، گام بردارد، مورد خشم، طرد یا نابودی قرار می‌گیرد و در این تضاد گفتمانی، شاهد آسیب‌های اجتماعی فراوانی هستیم که متأثر از گریز شتابان و ناهماهنگ به سوی مدرنیته است. در فرایند به‌وجودآمده، زنان و دختران بیشترین قربانیان اندیشه‌ها و افکار قالبی هستند. بنابراین انواع خودکشی، خودسوزی و قتل‌های ناموسی مظهری از خشم و اعتراض نسبت به انحراف از اخلاقیات سنتی و پدرسالارانه است. در این الگوی رفتاری هرچه زن خطاکار به شکلی فجیعانه‌تر کشته شود، آبرو، حیثیت و شرف بربادرفته خانواده بهتر و سریع‌تر به جایگاه قبلی برمی‌گردد. از منظر دختر امروزی، آزادی‌های فردی و انتخاب سبک زندگی به‌عنوان حقی مسلم در نظر گرفته می‌شود، اما از منظر پدری سنتی، این الگوی رفتاری بی‌بندوباری و تمرد غیرقابل بخشش تلقی می‌شود. درواقع مشاهده می‌کنیم که در این اجتماعات کنش‌های خارج از سنت‌های قبیله‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود و همه بایستی به‌عنوان عضوی از یک خانواده بزرگ، در پی حفظ ارزش‌های مشترک گروهی باشند، به‌طوری‌که تخطی از امور مستوجب طرد از گروه و در موارد ناموسی حتی مجازات مرگ در انتظار زنان و دختران خواهد بود. مردان اقتدارگرا با نگاهی ابزاری، زن و دختر خانواده را به‌عنوان مایملک خود تلقی کرده و شخصیت روحی و روانی خود را در وجود آنها تصور می‌کنند. بنابراین درمی‌یابیم که مقتول در زمینه قتل‌های ناموسی تحت اتهام‌های غیراخلاقی قرار می‌گیرد و این انگ‌های آبروبر، موجب برانگیختگی احساسات وابستگان مذکر خونی و عاطفی او می‌شود. بنابراین در یک تعریف ساده؛ ناموس در جوامع پدرسالار بیانگر کنترلی مردانه بر تمایلات زنان است. همان‌گونه که عنوان شد، مدرنیته در ایران خیلی سریع و شتابان اتفاق افتاده و بسیاری از تغییرات متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی منطقه نبوده است. در فرهنگ غربی، ابزار متناسب با نیاز، ذهن و خواسته ابداع می‌شود؛ به عبارت دیگر زمانی ابزاری ابداع می‌شود که ذهنیت آن شکل گرفته، نیازش وجود دارد، فلسفه‌اش تبیین شده و همه بسترهای نرم‌افزاری آن آماده است و نیازمند آن ابزار است که ابداع شود؛ به عبارتی ابزار با نرم‌افزار، ذهن، روحیه، احساسات و نگرش‌های مردم هماهنگ است. در منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، اول ابزار می‌آید و پس از آن نرم‌افزار، درحالی‌که ابزار هیچ‌گاه نمی‌تواند نرم‌افزار ایجاد کند، چون فکر توسعه، یک نرم‌افزار است. یک اندیشه، فلسفه و نیاز می‌تواند ابزار ایجاد کند، اما ابزار نمی‌تواند آن را بیافریند، بنابراین در ایران مشاهده می‌کنیم که در یک استان یا یک منطقه ظواهر شهرنشینی را می‌بینید، ولی وقتی با ساکنان آن منطقه به گفت‌وگو می‌نشینید، می‌بینید که ذهن و رفتار آنها شهری نیست. درواقع شهرنشینی برای آنها خریداری شده، بنابراین اگر بخواهیم شرایط موجود را به سمت اصلاح پیش ببریم، باید بگوییم نوسازی نه شتابان، نه دولتی و نه از بالا، بلکه نوسازی به‌عنوان یک ضرورت ملی و فرهنگی در بستر فرهنگی خود اتفاق بیفتد. این به معنی آن است که تهران نباید این‌قدر جلو باشد و برخی از شهرهای شمالی آن‌قدر عقب که نتوانند با هم هماهنگ باشند، همانند انسانی که سرش بزرگ شده و دست و پاهایش کوچک مانده است. درواقع قتل دختر ۱۳ساله تالشی به ظن ارتباط با مرد نامحرم انعکاس پولاریزه‌شدن جامعه یا تضاد بین دو گفتمان سنت و مدرنیته است که این نگاه‌های متضاد و آشتی‌ناپذیر درباره یک واقعیت مشخص اجتماعی، باعث کم‌رنگ‌شدن وجدان جمعی یا شعور متعارف در جامعه شده است.